

دوباره به مشهد بازمی گردد و پس از چهارسال با پیوستن دکتر جوزف کوک و همسرش به اوقالیتهای پزشکی آمریکایی ها به صورت رسمی در مشهد آغاز می شود و در مانگاه کوچکشان رادر خیابان «ارگ»، دایر می کنند. تقریباً یک سال بعد و به دلیل بیماری جوزف کوک، دکتر هوفمان زمام امور در مانگاه آمریکایی مشهد را به دست گرفت.

مجهزترین بیمارستان شهر

وضعیت بهداشتی نامطلوب مردم و شهر، شیوع انواع و اقسام بیماری ها و نبود پزشک و در مانگاه مناسب در مشهد، مراجعات به در مانگاه کوچک آمریکایی ها را روز به روز بیشتر می کرد و فضای محدود خیابان «ارگ» دیگر جواب گوی این میزان از مراجعه نبود. از طرفی مسیون های مذهبی دنبال فضایی نزدیک تر به مرکز شهر بودند؛ برای همین در مانگاه به کوچه باغ «عنبر» منتقل شد و دکتر لیکوارت سرپرستی آن را به عهده گرفت. در سال ۱۳۰۳ خورشیدی با خرید زمینی ۱۳۰ هزار مترمربعی به دست کمیسوثری آمریکایی در انتهای کوچه پاچنار، که در حومه شمالی مشهد قرار گرفته بود، بیمارستان آمریکایی شهر مشهد احداث شد. در آن زمان منتصریه و دارالشفای حضرتی تنها بیمارستان های شهر بودند و مریضخانه ۵۴تخت خوابی آمریکایی در مقایسه با آن ها هم بزرگ تر بود و هم مجهز تر. امتیاز ویژه این بیمارستان، حضور کادر پزشکی همه فن حریف آمریکایی بود.

«ینگه دنیا»

هنوز هم پس از گذشت نود و سه سال از تأسیس این بیمارستان در کوچه پاچنار، بسیاری از اهالی قدیمی خیابان «آیت... بهجت» وقتی می خواهند در آن محدوده نشانی بدهند از نام بیمارستان آمریکایی ها استفاده می کنند. شادروان حاج محمود حاجیان نژاد متولد ۱۳۰۰ است. سه ساله بوده که بیمارستان در محله پاچنار احداث می شود و با وجود کهولت سن باز هم اندک خاطراتی از آن روزها به یاد دارد. اودر گفتگویی با شهرآر امحله عنوان کرده بود: «از آنجایی که همان اول کار در گوشه ای از محوطه باغ بیمارستان یک کلیسای کوچک ساختند و روی سقف خود در مانگاه و آن کلیسایک صلیب هم نصب کردند، مردم می گفتند که اینجا بیمارستان مسیحی آمریکایی است. بعضی از آن هایی هم که به قول معروف خیلی متشرع بودند، اصلاً قدم در بیمارستان نمی گذاشتند. همسایه ای داشتیم که زنش بدون اطلاع او بیچه اش را برای در مان به بیمارستان آمریکایی برده بود، هنوز یادم نمی رود وقتی به خانه برگشت، مرد بنده خدا زنش را تا جایی که توانست کتک زد. مدام هم استغفار می کرد و نعره می زد که خوار و خفیفم کردی! مردم یک اسم دیگر هم روی اینجا گذاشته بودند: مریض خانه «ینگه دنیا» (به ترکی یعنی «جهان نو» که منظورشان آمریکای تازه تأسیس بود). البته اسمی را هم سردر بیمارستان نوشته بودند که خیلی طولانی بود و یادم نیست». نامی که مر حوم حاجیان نژاد به خاطر نمی آورد، این است: «بیمارستان و مدرسه پرستاری میسیونری مسیحی آمریکایی». بنابر منابع تاریخی این اسم بر روی کاشی های آبی سردر بیمارستان با دو زبان فارسی و انگلیسی نوشته شده بوده است.

باغ بزرگی که برق داشت

مکان بیمارستان کنونی تقریباً کنار برج و باروی خندق شمال شرقی شهر قرار گرفته بود و به نوعی از مراکز عمده جمعیتی شهر دور بود، ولی زمین وسیع و باغ بزرگی که به میسیونر های آمریکایی داده شده بود، این امکان را برایشان فراهم می کرد که یک بیمارستان با همه تجهیزات و تأسیسات مجهز آن زمان احداث کنند.

مر حوم غلامحسین بقیعی در کتاب «بر مزار میر مراد» دربارهٔ فضای بیمارستان آمریکایی می نویسد: «در ب ورودی، بنای کوچکی بود که خانوادهٔ در بان در آن زندگی می کردند. چسبیده به این بنایک کتابخانه با ویتترین بسیار زیبایی وجود داشت که درون آن انواع کتاب های مسیحیان و عکس های رنگی عیسی مسیح و قدیسین کلیسا به چشم می خورد. از اینجا ورودی دو قسمت می شد. شاخهٔ سمت راست به ساختمان اصلی مریضخانه می پیوست و سمت چپ به بخش عمارت مسکونی پزشکان و کارکنان آمریکایی امتداد می یافت. سراسر هربخش هم پر از گل و گیاه و درختان چنار و سپیدار و کاج بود. حاشیهٔ خیابان ها و میان باغچه ها را نیز به طرز زیبایی گل کاری کرده بودند. ایوان عمارت اصلی چهارپله از زمین باغ بالاتر بود. اولین اتاق که پنجره هایش روبه ایوان اصلی باز می شد، سالن سخنرانی و محل اجتماع کارکنان بود. درون آن پر از نیمکت و چند صندلی و یک تریبون بود. اتاق های معاینه و پانسمان و جراحی و داروخانه و حسابداری هم در همین طبقه قرار داشتند و طبقه بالا مخصوص استراحت بیماران بستری بود.»

در حالی که آن زمان هنوز بخش زیادی از شهر مشهد از نعمت برق محروم بودند و جز برق خسروی نخریسی، کارخانه برق دیگری وجود نداشت، بیمارستان آمریکایی ها یک موتور برق مخصوص به خودش داشت و همهٔ ساختمان ها و حتی خیابان های داخلی آن به وسیلهٔ چراغ روشن می شد.



خدمات اجتماعی

بیمارستان «ینگه دنیا» تنها مرکزی در مشهد بود که به صورت جدی به مردم خدمات اجتماعی ارائه می کرد؛ خدماتی که هدف اصلی از ارائهٔ آن ها جذب مردم به دین مسیحیت و تغییر نگرش آن ها به میسیون های آمریکایی بود و مبدع آن کسی نبود جز کشیش اسلستین. جان الدر با تشریح وضعیت اسفناک اهالی مشهد در زمان جنگ جهانی اول و اشغال ایران به دست متفقین می نویسد: «دیگ های بزرگی رادر در مانگاه می گذاشتند و هر روز به هریک از نیازمندان یک سوپ با مقداری نان داده می شد. به تدریج که بر عدهٔ محتاجان افزوده شد و قریب به هزار نفر در محوطهٔ بیمارستان غذا می خوردند، میسیون به همراه کنسولگری انگلیس کاروان سرای را اجاره کردند که هر روز در آنجا هزار و چهارصد نفر اطعام می شدند.»

غیر از اطعام نیازمندان، ادارهٔ آسایشگاه «محراب خان»، که ویژهٔ جذامی ها بود، گوشه ای دیگر از خدمات میسیون ها در مشهد است. بنابر اسناد تاریخی موجود هم زمان با تأسیس بیمارستان در محلهٔ پاچنار، ادارهٔ این مرکز هم به آمریکایی ها سپرده می شود و در حالی که خیلی از پزشکان شهر حاضر به ارائهٔ خدمات به جذامی ها نمی شدند، این ها با دل و جان به در مان این بیماران می پرداختند.

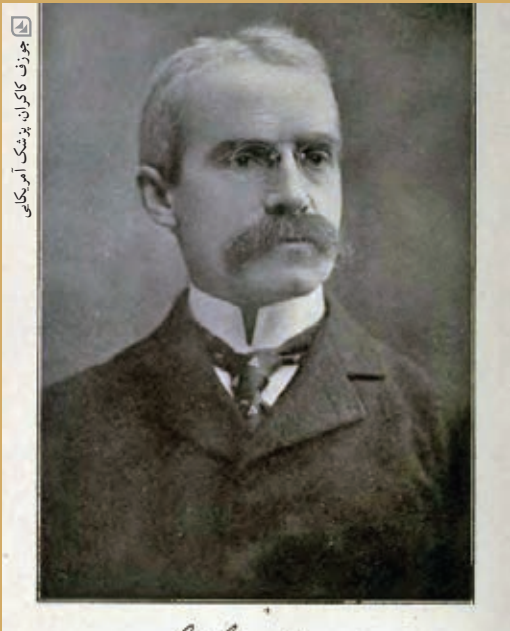
دکتر محمد تقی رادپور در این باره می گوید: «دکتر کاکران اینجا جراح و رئیس بیمارستان آمریکایی بود، خودش و خانمش در جذامی خانه شیشه ها را پاک می کردند و به امور بیماران رسیدگی می کردند. [هر دو نفرشان] این را خدمتی می دانستند.»

اگر چه آسایشگاه «محراب خان» جزو موقوفات آستان قدس رضوی بوده است و بخش زیادی از هزینه های آن از موقوفات تأمین می شده، بر پایهٔ گفته های الدر، میسیون آمریکایی در مشهد، سالی دوهزار دلار به آن کمک می کرده است.

پشت پردهٔ برخورد مهربانانه

«برخورد انسانی و مهربانانه»؛ این وصفی است که در میان صحبت های همهٔ آن هایی که یک بار گذرشان به بیمارستان آمریکایی افتاده است، تکرار می شود. غلامرضا مهدی زاده هشتاد و شش ساله می گوید: «ده دوازده ساله بودم که در این در مانگاه بستری بودم. این قدر برخورد پزشک ها و پرستاران خوب بود که من و مادرم متعجب شده بودیم. تعریف می کردند اوایل که آمریکایی ها در مشهد در مانگاه تأسیس کرده بودند، مردم اصلاً پیش آن ها نمی رفتند. همین اخلاق خوششان باعث شد که اهالی کم کم به آن ها اعتماد کنند. آخر برخی از حکیم ها و به قول معروف عطارباشی های آن زمان، این قدر بداخلاق و بدعق بودند که با صدمن عسل هم نمی شد آن ها را بخوری.»

خوش بر خوردی کادر درمانی باعث شده بود که از دیگر شهر ها هم برای در مان بیماری ها به مشهد بیایند. رفتاری که پشت پرده آن تغییر نگاه مردم به آمریکایی ها و زمینه سازی برای تبلیغ آیین مسیحیت بوده است.



بی بضاعت ها معافاز

پرداخت ویزیت

آن طور که در اسناد تاریخی نوشته شده، بخش زیادی از بودجهٔ بیمارستان را بخش مالی میسیون آمریکایی در ایران تأمین می کرده است. هزینهٔ ساخت و ساز بیمارستان در محلهٔ پاچنار را هم «انجمن مذهبی ایالت آیووا» پرداخت کرده بود. هزینه های جاری بیمارستان آمریکایی با گرفتن حق ویزیت از بیماران تأمین می شده است، اما از آنجا که بسیاری از مراجعان این بیمارستان را افراد بی بضاعت و نیازمند تشکیل می دادند و دستور این بود که با آن ها در کمال احترام برخورد شود و هزینهٔ زیادی گرفته نشود، این مبلغ چندان قابل توجه نبود. جالب اینجاست که این گشاده دستی در برخورد با خانواده های ثروتمندان و بزرگان شهر به هیچ عنوان انجام نمی گرفت و هزینه خدمات به صورت کامل از آن ها گرفته می شد.

سرانجام...

تاقبل از سال ۱۳۱۳ و تأسیس بیمارستان «شاه رضا»، مریض خانهٔ آمریکایی مشهد مدرن ترین و مجهزترین مرکز درمانی مشهد بود. بعدها و بنابه دلایلی چون انجام فعالیت جاسوسی در بیمارستان و دور شدن از کار اصلی اش که درمان بیماران بود، ادارهٔ بیمارستان از میسیون آمریکایی به وزارت بهداشتی رسید و فعالیت تشبیری مسیحیان آمریکایی در مشهد و دیگر شهر های استان خراسان تقریباً متوقف شد. در سال های دفاع مقدس، ساختمان بیمارستان آمریکایی تبدیل به مکانی برای بستری کردن مجروحان جنگ شد. اکنون هیچ اثری از بیمارستان آمریکایی در مشهد وجود ندارد. بخشی از زمین ۱۳۰ هزار مترمربعی آن امروز تبدیل به ادارهٔ بهزیستی خراسان رضوی و بنابر گفتهٔ اهالی کتابخانهٔ «امامین همامین (ع)» هم در همان زمین ها احداث شده است؛ حتی تا همین اواخر بخشی از ساختمان های اداری و مرکز آموزش پرستاری بیمارستان آمریکایی ها با همان سبک و سیاق قدیمی پابرجا بود که امروز دیگر اثری از آن ها هم نیست.

✱میسونر (Missionary) یا مبلغ مذهبی عضوی از یک گروه مذهبی است که برای تلاش برای دعوت و یا انجام اعمال مذهبی ترویجی نظیر آموزش و پرورش، باسواد، عدالت اجتماعی، مراقبت سلامتی و توسعهٔ اقتصادی به منطقه ای اعزام می شود. واژهٔ «میسون» از سال ۱۵۹۸ رواج یافت که یسوعی ها اعضای از خود را به خارج فرستادند. این واژه مشتق از واژهٔ لاتین «میسونم» (missionem) به معنای عمل فرستادن است.

منابع

- اصیلی، سوسن. (بی تا). فعالیت های میسیونری در ایران عهدناصری. صص ۱۰۶–۱۳۴.
- الدر، جان. (۱۳۳۳). تاریخ میسیون آمریکایی در ایران. تهران: نور جهان.
- بقیعی، غلامحسین. (۱۳۷۳). مزار میر مراد (نمایی از مشهد قدیم). تهران: گوتنبرگ.
- رادمش، محمد کاظم. (۱۳۸۸). «بیمارستان و مدرسهٔ پرستاری میسیونری آمریکایی در مشهد». در: پژوهشنامهٔ تاریخ. دورهٔ ۵، شمارهٔ ۱۷. صص ۱–۲۸.
- شاهین فر، محمد. (۱۳۸۲). خاطرات پزشکی در مشهد. مشهد: سنبله.
- ماهوان، احمد. (۱۳۸۶). «تاریخ مشهدالرضا(ع)». در جستارهای شهرسازی. شمارهٔ ۲۲ و ۲۳. ص ۷۶
- مدرس رضوی، محمد تقی. (۱۳۸۸). مشهد در آغاز قرن چهارده خورشیدی: مشهور به گزارش مکتب شاهپور. تهران: نور جهان.